

آزاد و فکراوست بنابراین دو عنصر مادی که و ارادی برای تقصیر لازم است موجود بوده و سبق اراده بر اجرا و اخذ تصمیم در هوشیاری و اجرای آن در مستی رافع مسئولیت و مبطل تقصیر عمدی او نمیشود. ولی بعضی دیگر از علما حتی در اینحالت بین مستی و جرم انجام شده در حال مستی فرق میگذارند و مدعی میباشند که با فرض مستی کامل عقد عامل در حین عمل زائل و بالنتیجه نمیتوان عمل را عمل ارادی عمدی دانست و بعقیده ایندسته وجود قبلی تصمیم کافی نبوده باید قصد مجرمانه مقارن عمل و متصل بآن باشد. چه در حقیقت قصد مجرمانه در حال هوشیاری بدون اجرا و نتیجه موجود و نتیجه حاصله در حال مستی فاقد قصد وارده است.

بعقده ما بحث در اطراف این موضوع بیشتر جنبه فنی دارد تا عملی زیرا کسیکه در حال مستی طرحی را انجام میدهد که بمنظور آن خود را مست نموده است با همین عمل ثابت میکند که هنوز هوش و اراده کافی برای او باقیست و دفاعش باینکه در حال مستی قوه تمایز و اراده از او سلب شده دفاع پسندیده نیست چه بهترین دلیل برای بقای قوای او در حین مستی همان اجرای عمل مجرمانه است و تا بحال هیچ مورد عملی پیدا نشده که بزهدکاری برای تقویت قلب خود مشروب آشامیده بدرجه مست شده باشد که کاملاً عقلش را از دست بدهد بهمین جهت است که در هیچیک از قوانین مدونه کمترین تخفیفی در باره جرم ارتکابی در حال مستی با تصمیم قبلی قائل نشده حتی بعضی از قوانین این مستی را از عوامل و اوضاع و احوال مشدده تقصیر تلقی نموده اند.

بقیه سخنرانی آقای دکتر هدایتی در کانون و ۳۲

محاكمه نو رنبرگ

مثلاً برای جنک تهاجمی تعریفی را که برای آن در ماده ۱۰ مقاله نامه ژنو بعمل آمده پذیرفته و نیز جرائم جنگی جزائی را دانسته است که بر علیه مقررات قرار داد بین المللی لاهه ۱۹۰۷ و در قرارداد های ژنو صورت گرفته باشد.

۳- آئین دادرسی - بموجب ماده ۱۳ اساسنامه خود دادگاه مقررات مربوط بطرز رسیدگی را وضع خواهد کرد و هیچیک از آن مقررات نباید مخالف قواعدی که در اساسنامه پیش بینی گردیده اند باشد .
 بعضی مقررات راجع بکیفیت محاکمه در اکتبر ۱۹۴۵ تحت عنوان نظامنامه طرز رسیدگی وضع شده و بعداً نیز خود محکمه ضمن رسیدگی آنها را تکمیل کرد .

بعضی از جزئیات آئین دادرسی ضمن نظامنامه مزبور راجع بکیفیت شروع محاکمه قرائت ادعاینامه کیفیت تحقیقات و شهادت شهود و رسیدگی بدلائل و ارزش دلایل پیش بینی گردیده و علاقمندان میتوانند بدان مراجعه نمایند و فقط مطلبی که در اینجا قابل تذکر است آنکه اساسنامه یک فصل مخصوص (فصل چهارم) برای آنکه رسیدگی محکمه مقرون بعدالت باشد باز کرده و در ماده ۱۶ مقرر داشته است که :

اولاً در ادعاینامه باید تمام جرائم متناسب بمتهم با دلایل آن بطور صریح قید گردیده و یک نسخه آن بزبانی که متهم بدان تکلم میکند مدتی قبل از جلسه محاکمه با او تسلیم شده باشد .

ثانیاً - در طی تحقیقات مقدماتی متهم حق دارد تمام توضیحاتی را که لازم میدانند دوباره اتهاماتی که با او نسبت داده اند بیان نماید .
 ثالثاً - تحقیقات و محاکمه متهم باید بزبانی باشد که متهم بدان حرف میزند یا بزبان او ترجمه شود .

رابعاً - حق دفاع متهمین در مقابل دادگاه کامل بوده و نیز آنها حق دارند که یک وکیل مدافع داشته باشند .

خامساً - متهمین حق دارند که ضمن رسیدگی تمام شهود و دلائلی را که بر له خود دارند در محاکمه تذکر دهند و با تقاضای تحقیق و سؤال از شهود نمایند .

۴- مجازاتها - فصل ششم اساسنامه تحت عنوان حکم و مجازات در ماده ۲۶ مقرر میدارد که حکم محکمه در خصوص مسئولیت یا برائت متهمین باید موجه و مدلل باشد و بلافاصله در ماده ۲۷ مینویسد که محکمه حق دارد بر علیه متهمین که جرم آنان ثابت باشد حکم اعدام یا هر مجازات مناسب دیگری صادر کند و یا حکم توقیف و ضبط اموال ر بوده شده را صادر نماید .

محاكمه و حکم

بموجب ماده ۲۲ اساسنامه مقر دائمی دادگاه بین المللی برلن میباشد ولی اولین محاكمه در نورمبرگ بعمل خواهد آمد .
 انتخاب نورمبرگ که یکی از بهترین شهرهای باویراست بطوریکه گفته شد از اینجهت بود که هر ساله کنگره حزب ناسیونال سوسیالیست که مهمترین جلسات حزب بود در آن شهر تشکیل میگردد .
 شهر نورمبرگ در سال ۱۹۴۲ بعنوان معامله متقابل از طرف انگلیسها سخت بمباران شد و فقط عمارت دادگستری و بعضی از انبیه دیگر آن از تعرض بمبارانهای هوایی تا حدی مصون ماند . کاخ دادگستری این شهر محل تشکیل جلسات دادگاه بین المللی مجرمین جنک شد .
 منظره دادگاه را آقایان همین امشب در فیلمی که بعد از سخنرانی نمایش داده خواهد شد ملاحظه میفرمایند و نیازی به توضیح زیاد از طرف اینجانب نیست .

چهار نفر قاضی از چهار دولت همراه چهار نفر عضو علی البدل و عده مترجم در جایگاه مخصوص قضات نشسته اند رئیس محکمه Lord justic Laurence لورنس رئیس محکمه استیفا انگیلیس است - سایر قضات و اعضاء علی البدل از بهترین استادان حقوق بین الملل و حقوق جزا و قضات عالیرتبه چهار کشور تشکیل دهنده دادگاه هستند - قاضی فرانسوی که در فیلم ملاحظه میفرمائید پروفیسور دوند یودو و ابر استاد حقوق جزای دانشکده حقوق پاریس و یکی از متخصصین حقوق جزای بین المللی عصر حاضر می باشد - لباس قضات لباس رسمی و مشکی است غیر از قضات روسی که با الوان فرم نظام ملبس میباشند .

محل جلوس قضات از طرف چپ بترتیب عبارتست از قضات فرانسوی قضات امریکائی - قضات انگلیسی و قضاة روسی - در مقابل قضات روی نیکم آنها مخصوص و متمهین در دو صف نشسته اند - صف اول گورینگ هس - ریب تروپ - کایتل - روزنبرگ - فونک - شاخت - و در صف دوم دیتز - فن شیراخ - فن پاپن - فن نورات و غیره که جمع آنها ۲۱ نفر میشود .

در مقابل متهمین و کلای آنها نشسته اند که میتوان گفت بهترین و کلاه و استادان دانشگاه آلمان میباشند مثل Exner استاد معروف حقوق

محکمه نورمبرگ ضمن رای خود ببعضی سئوالات مقدر جواب گفته است. راجع بقانونی بودن اساسنامه دادگاه در رای خود مینویسد تنظیم مقررات اساسنامه کاملاً در حدود اختیارات قانونی تهیه کنندگان آن بوده است نه برای اینکه آنها دول فاتح بوده اند بلکه از این جهت که آلمان در مقابل آنها بدون قید و شرط تسلیم گردیده و اداره مملکت و حق قانون گذاری را باین کشورها واگذار کرده و آنها هم در حدود صلاحیت خود حیثیتی قانونی بنام اساسنامه وضع کرده اند. و بعلاوه مقررات اساسنامه همان مقررات عهدنامه های بین المللی است که تهیه کنندگان اساسنامه آنها را تکمیل و تدوین کرده اند.

راجع باین قاعده که جرم و مجازات باید قبل از ارتکاب عمل به وجوب قانون پیش بینی شده باشد *Nullum crimen Nulla poena sine lege* دادگاه مینویسد که ممنوع بودن جنک تهاجمی مدتها قبل از شروع جنک بین الملل دوم بموجب عهدنامه ها شناخته شده بوده است و بعلاوه قواعد مزبور بهیچوجه حاکمیت دولتها را محدود نمیسازد و غیر عادلانه شناختن مجازات برای دولتی که برخلاف تمام تعهدات خود مبادرت بجنک تهاجمی کرده است غلط و اشتباه است زیرا دولت مزبور از موقع شروع جنک خودش متوجه بود که مرتکب جرم میشود زیرا اغلب آنها تیکه در کابینه رایش بودند از عهدنامه های منعقد شده بین آلمان و دول دیگر با اطلاع بودند و مخصوصاً از عهدنامه بریان کلوک که در آن مبادرت بجنک تحریم گردیده و جنایت شناخته شده است و قطع نظر از این قوانین جنک فقط آنچه که در عهدنامه ها نوشته شده نمیباشد بلکه از عرف و عادات تدریجی راجع بجنک. از نظریات علمای حقوق بین المللی از رویه قضائی محاکم نظامی هم قوانین جنک استخراج و استنتاج میگردد و قاعده *Nullum* در حقوق جزای بین المللی وجود ندارد و در هر حال راجع بجنک تهاجمی ماده اول قراردادی که در ۱۹۲۳ از طرف جامعه ملل تهیه و بامضاء بیست و نه دولت رسیده صریحاً مقرر میدارد که جنک تهاجمی یک جنایت بین المللی است. امضاء کنندگان متعهد هستند که هیچیک مبادرت بچنین جنگی نکنند.

راجع باین ایراد که تشکیل محکمه باید بموجب قانون باشد دادگاه در رای خود جواب میدهد که قوانین حقوق بین الملل را از قوانین عرفیه *Coutumier* باید بشناسیم که همیشه احتیاج بتدوین ندارند. تشکیل محکمه برای مجازات مجرمین جنک بدون سابقه نبوده و در ماده ۲۲۷ معاهده

ورسای صربها تشکیل يك محکمه پنج نفری برای مهاکمه گیوم دوم امپراطور سابق آلمان پیش بینی گردیده بود .

در جواب دو ایراد دیگر که دادگاه شده بود یکی راجع باینکه برای اعمالی که از طرف هشت دولت ارتکاب گردیده از لحاظ اینکه دولت شخصیت حقوقی دارد نمیتوانت قابل مجازات شد و نیز این ایراد که بحزبان دستورات مقامات صلاحیتدار انجام وظیفه نموده و شخصاً مسئولیتی ندارند محکمه در رای خود چنین جواب میدهد - احترام و حمایتی که حقوق بین المللی برای افراد دولت دارد شامل اعمال مجرمانه که آنان مرتکب گردند نمیباشد و از جهت این اعمال قابل مجازات هستند و به علاوه ماده ۷ اساسنامه صربها مینویسد مقام رسمی متهمین خواه بعنوان رئیس دولت و خواه بعنوان مستخدم عالیه مقام نه مانع مجازات بوده و نه از کیفیات منفصه میباشد - و به علاوه اگر دولتی در مقابل دولت دیگر تعهداتی داشت افراد موظفند تکالیف دولتی را مادام که مخالفت تعهدات بین المللی دولت نباشد اجرا نمایند زیرا که دستور دولت برخلاف تعهدات بین المللی خود میدهد دستوری قانونی نمیباشد و ماده ۸ اساسنامه در اینخصوص صربها مقرر داشته است که ایراد متهم باینکه مشارالیه طبق دستورات دولت خود اقدام نموده است رافع مسئولیت او نمیباشد .

بطوری که عرض شد ماده ۲۶ اساسنامه دادگاه بین المللی مقرر میدارد که حکم دادگاه در خصوص محکومیت یا تبرئه متهم باید مدلل باشد و محکمه هم برای هر يك از متهمین دلائل تصمیم خود را ذکر کرده است و من برای اینکه در وقت صرفه جوئی شده باشد برای نمونه دلائلی را که دادگاه برای مجرمیت یکی از متهمین اقامه کرده است عیناً از روی حکم ترجمه و قرائت میکنم تا آقایان بسبب استدلال دادگاه متوجه گردند .

گورینگ - اتهام گورینگ عبارت است از ارتکاب جرائم چهارگانه که در ادعاینامه ذکر گردیده است - دلائلی که در طی دادرسی چهارگانه که در ادعاینامه ذکر گردیده است - دلائلی که در طی دادرسی اقامه گردیده ثابت میکند که مشارالیه دومین شخص رژیم نازی و از حیث مقام بلافاصله بعد از صدر اعظم آلمان قرار داشت مدتها رئیس کل هوایمائی آلمان و نماینده در طرح نقشه چهار ساله بوده نفوذ فوق العاده بعد از

هیتلر تا سال ۱۹۴۳ دارا بوده بعد از این تاریخ روابط آندو باهم تیره شده تا اینکه در سال ۱۹۴۵ منجر بتوقیف او گردید - مشارالیه در تحقیقات اظهار داشته که هیتلر تمام مسائل سیاسی و نظ-امی مهم را همیشه با او در میان میگذاشت .

جرانم بر علیه صلح - از ۱۹۲۲ و قتیکه عضو حزب شد و در آن رئیس S.A. (سازمان جنک در کوچه) گردید .

مشارالیه از همان وقت مشاور و مامور فعال هیتلر و یکی از روساء برجسته جنبش نازی بود در ۱۹۳۴ فوق العاده در قدرت رساندن حزب و خودش موثر بوده و از همان وقت مامور تقویت و بالا بردن قدرت نظامی آلمان بود - گشتاپورا مشارالیه توسعه داده و اولین توقیف گاههای نظامی را تاسیس و اداره آنرا بعدا در ۱۹۳۴ بهیملر واگذار نمود .

از ۱۹۳۶ مشارالیه عملا مدیر کل اقتصادیات آلمان گردیده و کمی بعد از قرارداد مونیخ اعلام داشت که قدرت Luftwaffe را پنج برابر علاوه خواهد کرد - او در آن جلوس اطیش نقشه عمده را بهمه داشت و خودش در جلسه دادرسی اظهار نمود که من صد درصد مسئولیت را قبول می کنم - من حتی از ایرادات هیتلر نهرا سیده و کار را تا انتها انجام دادم. در موقع الحاق سرزمینهای سودت بعنوان رئیس هواپیمائی حملات هوائی خارج از لزوم و بیفایده انجام داد - مشارالیه در مقابل دادگاه اعتراف کرده است که در ضمن يك جلسه با هیتلر و هاشایك شب قبل از محاصره چکسلواکی و تحت الحمايه نمودن بهم و مرای هاشارا تهدید کرد که اگر تسلیم نشود پراکرا بمباران خواهد نمود .

مشارالیه در موقع حمله بلهستان و در طی آن ریاست Luftwaffe را داشت - اینهم که مشارالیه ادعا دارد که با نقشه هیتلر در خصوص حمله به نروژ و اتحاد جماهیر شوروی مخالفت ورزید بجهت دلایل نظامی و استراتژیکی میباشد - زیرا وقتی هیتلر تصمیم بانکار گرفت مشارالیه هم از او اطاعت کرد - او صریحا ضمن تحقیقات گفته است که اختلافش با هیتلر در این موضوع نه از نظر حقوقی و نه از نظر سیاسی بوده بلکه حمله به نروژ او را بر علیه هیتلر از این جهت متغیر ساخت که بمشارالیه مجال حاضر و آماده ساختن Luftwaffe را نداده بود او اتحاد جماهیر شوروی را بزرگترین تهدید بر علیه آلمان میدانست و عملا اختلافش با هیتلر در خصوص تاریخ حمله با اتحاد جماهیر شوروی بود و میل داشت که اینکار بعد از فتح

انگلستان بعمل آید - با اقراربری که مشارالیه در محضر دادگاه کرده و بلاحفاظ مقاماتی که او داشته تردید نیست که بعد از هیتلر مشارالیه اولین مسئول جنگ تهاجمی است

اما جرائم جنگی و جرائم بر علیه انسانیت - تمام پرونده ها پرهستند از اقراربر گورینگ در خصوص نقش او در بکار واداشتن اسرای جنگی او مکرر گفته است ما آنها را برای این در کشور خود بکار مجبور مینمودم که در خارج کشور بر علیه ما کار نکنند و من بعنوان رئیس هواپیمائی مکرر از هیتلر تقاضا نمودم که کارگران بیشتری برای کار کردن در کارخانجات زیر زمینی برای کار اجباری با اختیار من بگذارد و صحیح است که از بازداشت شدگان اردو گاههای نظامی برای هواپیمائی کمک میگرفتم.

حکم راجع بکار اجباری کارگران لهستانی را در آلمان گورینگ امضاء نموده و با دستوراتی که به S.D. داد آنرا بموقع اجرا گذاشت بنا بدستور او سربازان اسیر فرانسوی و روسی را در کارخانجات اسلحه سازی آلمان بکار مجبور نمودند. مشارالیه اعتراف دارد که دستور داد اسرای جنگی شوروی را برای ساختن باطریها D.C.A. دفاع ضد هوایی بکار گمارند.

گورینگ سهم بستائی در غارت و چپاول سرزمینهای فتح شده داشته است و برای اجرای این منظور نقشه هائی قبل از حمله بانحاد جماهیر شوروی طرح کرده بود.

بموجب آنچه که (بدوسییه سز) وی نامیده شده است ستادی بمنظور اجرای دستورات اقتصادی او در شرق تاسیس شده بود بعد از تظاهرات ۱۹۳۸ گورینگ یهودی ها را مجبور بپرداخت يك میلیارد مارک غرامت نمود - مشارالیه یهودی ها را نه فقط در آلمان بلکه در سر زمین های فتح شده نیز قلم و قلم مینمود - هیچ کیفیت مخفیه درباره گورینگ نمیتوان قائل شد - بعضی اختلاف گوئیها در شهادت شهود دیده میشود ولی اقرار بر صریح و روشن گورینگ بیش از اندازه لزوم مجرمیت او را ثابت میسازد. هیچ عذری در پرونده این مرد دیده نمیشود و بنا بر این مجرمیت او در هر چهار قسمت جزائی ثابت تشخیص گردیده و بالتیجه دادگاه نظامی بین المللی نظر بدلائل مذکوره هرمان گورینگ را باعدام با دار محکوم میسازد.

دادگاه برای هریک از متهمین بهمین ترتیب استدلال کرده و نتیجه آنها را بمجازاتهای ذیل محکوم ساخته است .

هس	Hess	حبس دائم
ریبن تروپ	Ribentrop	اعدام بادار
کالتن برونر	Kaltenbrunner	« «
کایتل	Keitel	« «
روزنبرگ	Rosenberg	« «
فرانک	Franck	« «
فریک	Frick	« «
شتریشر	Streicher	« «
فونک	Funk	حبس دائم
دونتز	Docnetz	ده سال حبس
رایدر	Raider	حبس دائم
فن شیراخ	Von Schirach	بیست سال حبس
سوکل	Saukol	اعدام با دار
یودل	Yodel	اعدام با دار
سینس	Snyss	بیست سال حبس
شپر	Speer	بیست سال حبس
فن نوراث	Von Neurath	پانزده سال حبس
بورمان	Bormann	اعدام با دار

آقایان این بود آنچه که میشد ظرف سه ربع ساعت بطور شمانیک از تراژدی نورمبرگ و بزرگترین محاکمه بین المللی گفت ولی قبل از اینکه کرسی خطابه را ترک کنم اجازه میخواهم بقدرچند دقیقه هم وقت شریف آقایان را راجع بقضاوتهایی که در باب این محاکمه و حکم آن شده است بگیرم .

بطور کلی افراد مختلفه ملل دنیا و اشخاص غیر حق-وقی دونوع عقیده نسبت باین محاکمه دارند و دسته اول دونوعند افراد دول اروپا و شرکت کنندہ در جنگ بوده اند عقیده دارند که برای مجازات آلمانها و تسکین خاطر داغدیدگان جنگ و جبراب و وحشیگری هائی که آلمانها در طی تسلط خود در اروپا مرتکب شدند حکم نورمبرگ بیچوجه کافی

نیست و باید برای جلوگیری از نظیر وقایعی که آلمانها مرتکب شدند مجازاتهای سنگینتری برای ملت آن تعیین نمود - طوفان خشم و غضب اینها بر علیه آلمان غیر قابل وصف است - دسته دوم که غالباً افراد دول غیرمتخاصم و تاحدی هم امریکا میباشد عقیده دارند که محاكمه نورمبرك برای محكومیت ملت آلمان و برای قانونی نشان دادن معامله غالب با مظلوم ساخته شد زیرا نازیها هر چه کردند بخاطر ملت آلمان و برای تعالی آلمان کردند اقدامات آنها برای پر کردن جیب خود یا برای تسکین امیال شخصی آنها نپرده و بلکه ناشی از احساسات وطن پرستانه بوده است. ولی هیچيك از این دو نظر برای حقوق دانها مدرکیت و ندارد زیرا آنها برای قانون و مدرک و دلیل میخواهند از نقطه نظر حقوقی تشکیل محكمه نورمبرك با چهار اصل بزرگ حقوق جزائی و حقوق بین الملل عمومی اصطکاک پیدا میکند .

اول اصل قانونی بودن تشکیل محاکم - در حقوق داخلی تشکیل محاكمه را قانونی باید اجازه دهد و همانطور هم در حقوق بین المللی تشکیل محكمه بین المللی باید با اجازه يك قانون بین المللی باشد که قبلاً بتصویب رسیده باشد و اساسنامه و محكمه نورمبرك بعد از تصمیم بمحاكمه نازیها و شکست آلمانها بتصویب رسید آنها بتصویب فاتحین یعنی در واقع قضایی و طرف دعوی یکی شد این يك ایراد اساسی و واردی است که بهیچوجه قابل جواب نیست .

ثانیاً مجازات برای فرد و شخص است آنهم شخص حقیقی نه حقوقی و فوایدی که برای مجازات در نظر است با اجراء آن بر اشخاص حقیقی و افراد مقصود است و نه بر اشخاص حقوقی و موہوم - دولتها که از جمله اشخاص حقوقی هستند اساساً قابل مجازات نیستند فرض مجازات دولت و کابینه فرض موہوم است و برای سرایت دادن مسئولیت شخص حقوقی بر اشخاص حقیقی که جمعا تشکیل آنها میدهند هیچگونه مجوز سابقه نیست ثالثاً - جرم بودن هر عمل باید قبل از ارتکاب آن عمل جرم شناخته

شده باشد . Nullum Cumcn Nulla poena

رابعاً - هر مجازاتی باید قبلاً بموجب قانون پیش بینی شده باشد متأسفانه جوابهایی که دادگاه نورمبرك ضمن حکم خود باین

ایرادات داده است برای عده زیادی از علمای حقوق که اسامی علی اقامت چندماهه در اروپا اینجانب با آنها مذاکره میکردم و از جمله بزرگترین شخصیت‌های حقوقی بین‌المللی هستند قائم‌کننده نبود آنها فقط یک جواب میدادند و آن اینکه اجرای عدالت ناقص بهتر از نبودن عدالت است - و به علاوه چون بعضی از قوانین بین‌المللی در خارج از هر گونه عهدنامه بوسیله عمل دول تعیین و مشخص میگردد بنابراین عمل دادگاه نورمبرگ سابقه خواهد شد - که بعد از این روساء دول ازوهم مجازات برای امضاء نمایندگان خود قائل باحترام شوند .

در حال ما امیدواریم که بعد از این همانطور که مرحوم روزولت عقیده داشت حل اختلافات سیاسی در پشت میز کنفرانسها شود و اساسا جنگی پیش نیاید تا فاتحین مجبور به تشکیل دادگاهی از نوع نورمبرگ بشوند و بر فرض اینهم که خدای نکرده چنین پیش آمدی بنفاید برای تامین عدالت کامل و واقعی با اصول اساسی و مدنی بیشتر توجه و عنایت گردد.

آقای اسداللهی

قانون وفق مقتضیات فطرت

بهترین قوانین که مؤمن نظام عالم بشریت است قوانینی است که طبق مقتضیات فطرت و طبیعت باشد بمباراة اخری ملائم با طبع بشر و سازگار با جامعه بوده باشد و بدون نظر تعصب و عناد قوانینی که دارای این خصیصه است انحصار بقوانین اسلامی دارد زیرا مبانی قوانین مدنی و اقتصادی و سیاسی اسلام که ملاك استنباط احکام است چهار اصل است .

۱ - عقل

۲ - اجماع اهل حل و عقد از متخصصین باین فن

۳ - قرآن کریم

۴ - سنت حضرت خاتم النبیین و ائمه هداة مهتدین

پس از تجزیه و تحلیل عقلی که بمبانی احکام پی ببریم می بینیم همانا احکام عقل و اجماع به چیزی بیش از همان مقتضیات فطرت حکم نمیکند بدیهی است با توجه باین قاعده که (کلاما حکم به العقل حکم به الشرع) برگشت مبانی قرآنی و سنن هم نیز بهمان حکم عقل است از این مقدمه چنین استنتاج